

واژه «عقوق» در نگاه نخست، بیشتر با نافرمانی و سرکشی فرزندان نسبت به پدر و مادر گره خورده‌است، اما پرسش از امکان تحقق این مفهوم در سوی مقابل یعنی عاق شدن والدین نسبت به فرزندان، مسئله‌ای است که کمتر بدان پرداخته و توجه شده‌است. با توجه به تأکید روایات بر حقوق متقابل والدین و فرزندان، این پرسش مطرح می‌شود که آیا اساساً «عاق فرزندان» در منابع معتبر اسلامی ریشه دارد؟ و اگر آری، چه رفتارها و کوتاهی‌هایی از سوی والدین می‌تواند زمینه‌ساز این عنوان باشد؟ در ادامه به بررسی این مسئله براساس منابع روایی پرداخته می‌شود.

عاقِ فرزند مؤمن

«عقوق» از ماده عقق (عَقَّ) و در معنای مشهور آن به معنی نافرمانی و سرکشی از پسر و مادر و عقوق درباره والدین به کار می‌رود اما براساس اخلاق دینی برگرفته از معارف اهلبیت (ع)، همان‌طوری که فرزندان به دلیل عدم رعایت حقوق والدین، عاق (نافرمان) آنها می‌شوند، والدین نیز در اثر بی‌توجهی به حقوق فرزندان عاق آنان می‌گردند. در روایات رسیده از حضرات معصومین (ع) بر این نکته تأکید شده‌ است به‌طوری که در منابع روایی متعددی مانند «خصال»، «بحارالانوار» و «من لایضره الفقیه»، هرچند با اندکی اختلاف، بر عاقِ فرزندان تصریح شده‌ است.

در روایتی آمده‌ است، که رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله) در ضمن سفارش‌های خود به امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌ است: *«یا عَلِیُّ لَعَنَ اللَّهُ الْوَالِدَینَ خَلَا وَلَهُمَا عَلِی عَقُوبُهُمَا، یا عَلِیُّ یَلْزَمُ الْوَالِدَینَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَهُمَا مَا یَلْزَمُ الْوَالِدَینَ لَهُمَا مِنْ عَقُوبِهِمَا، خُدا لعنت کتد پدر و مادری را که فرزندان خویش را بد تربیت کنند و موجب‌ات عاق خود را فراهم نمایند.ای علی! همان‌گونه که فرزند عاقِ والدین می‌شود، والدین نیز عاقِ فرزند خواهند شد.»* (البته در برخی منابع روایی قید صالح بودن فرزند افزوده شده‌ است که می‌تواند تشخیص روایات عام باشد. یعنی اگر فرزند شایسته و نیکوکار باشد، و حقوق او را رعایت نکنند، آنگاه مشمول این وعید می‌شوند.

در روایتی‌ی امام صادق (ع) فرموده است: *«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: یَلْزَمُ الْوَالِدَینَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَهُمَا إِذَا كَانَ الْوَلَدُ ضَالِحًا مَا یَلْزَمُ الْوَلَدَ إِلَّا بِمَا یُهمِّرُ اَکْرَمَ فرموده‌ است همان‌گونه که فرزند عاق پدر و مادر می‌شود، هرگاه حقوق ایشان را به‌جای نیاورد، همین‌طور پدر و مادر نیز عاق فرزند می‌شوند هرگاه نیکوکار باشد و حقوق فرزند را رعایت نکنند.»*^(۱) اینکه چه عواملی موجب عاق

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

عاق اولاد

رسول الله - ﷺ :

به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آن‌ها معاشرت نمایند.

اَكْرِمُوا وُلَادَكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَابَكُمْ.

«بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴»

زمینه‌سازی برای ازدواج فرزند، یکی از حقوق آنها است. پیامبر اسلام فرمود: *«مَنْ حَقَّ الْوَلَدُ عَلَیْ وَالِدِهِ ثَلَاثَةً: یُحْسِنُ اسْمَهُ، وَیُعَلِّمُهُ الْکِتَابَةَ، وَیَرْزُقُهُ اِذَا بَلَغَ، اِزْ حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: نام نیکویی برای او برگزیند، نوشتن را به او بیاموزد و هنگامی که به بلوغ رسید، او را همسر دهد.»*^(۱)

تأخیر در ازدواج در صورت تمکن مالی و وجود بستر مناسب، نه‌تنه حق مسلم فرزند را ضایع می‌کند، بلکه او را در معرض آسیب‌های اخلاقی و گناه قرار می‌دهد. ازدواج فرزند در هنگام بلوغ، حقی شرعی است که بر عهده پدر نهاده شده‌ است. اگر پدر با وجود توانایی مالی و وجود بستر مناسب، از تزویج فرزند خودداری کند، نه‌تنه حق فرزند را ضایع کرده، بلکه ممکن است فرزند را به گناه و فساد بکشد؛ و این سهل‌انگاری، موجب نفرین فرزند و در نتیجه، تحقق عاقِ والدین (عقوق از طرف فرزند) می‌شود.

۲. انتخاب نکردن اسم نیکو: نام‌گذاری نیکو یکی از حقوق فرزند است که در روایات به آن تأکید شده‌ است.^(۲) اگر پدر نامی زشت، نامناسب یا تحقیرآمیز برای فرزند برگزیند، این کار موجب سرشکستگی، اذیت روانی و کاهش عزت نفس فرزند در جامعه می‌شود. چنین رفتاری مصداق تضییع حق فرزند است و چون کودک در بزرگسالی از این بابت رنجیده‌خاطر شود، ممکن است والدین را مورد نفرین قرار دهد.

۳. بدرفتاری با فرزند:

اسام زین‌العابدین (ع) درباره حقوق فرزندان فرموده است: *«وَأَسَأَ حَقَّ وَلَدَکَ. فَأَنْ تَعَلِّمَ غُلَّ مَن یَعْلَمُ أَنَّهُ ثَمَابٌ عَلَی الْإِحْسَانِ إِلَیْهِ، مُعَاقَبٌ عَلَی الْإِسَاءَةِ إِلَیْهِ: در کار او، همانند کسی عمل کن بر بدی کردن به او مجازات می‌شود.»* (بدرفتاری، عدم احترام و بدرفتاری با فرزند، موجب سرکشی و نافرمانی و سرکشی از والدین است. اگر فرزند نیکوکار باشد، و حقوق او را رعایت نکنند، آنگاه مشمول این وعید می‌شوند.

جعفر را رحمت کند. چه نیکو بارانش را تربیت و ادب کرده است.»^(۱)
مام ثواب نماز گزاردن در صف نخست جماعت آنان را هم‌تراز با نمازخواندن در صف اول پشت سر رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) توصیف می‌کردند^(۲) و حتی در روایتی، حضور در این صفوف را به‌عنوان نمادی از پیوند امت ارج می‌نهادند.^(۳)
در جریان مناسک عظیم حج نیز، امام و اصحابشان برای حفظ شکوه تجمع مسلمانان و نظم عمومی، همگام با کاروان‌های عمومی حرکت می‌کردند تا نشان دهند تفاوت در برداشت‌های مذهبی نباید بهانه‌ای برای قهر یا بدنه جامعه اسلامی شود.^(۴)

رویکرد تعاملی حتی در برابر کسانی که در مسیر نادرستی بودند نیز توصیه می‌شد؛ به‌گونه‌ای که امام می‌فرمودند: *از آنان را تحمل کنید و از ستیز و مجادله بپرهیزید.* معصومیت قطعی توهمین و نابزرگویی، رکن دیگر این سیره است. وقتی امام حتی اهانت به یک مُشْرَک در نمی‌پذیرند و فرد خاضی را طرد می‌کنند، بدیهی است که توهمین به مسلمانان و مقدسات سایر مذاهب، خط قرمزی پررنگ‌تر است.^(۵)

امام در تفسیر آیه شریفه «و با مردم با خوش‌زبانی سخن گویند.»^(۶) سخن نیکو گفتن با تمامی مردم، اعم از مؤمن و مخالف، را ضروری دانسته و می‌فرمودند: *«إِنَّ لِلنَّاسِ کُلِّهِمْ مَوْمِنِیْن وِمُخَافِیْهِمْ أَنَا أَلْمَوْمِنُونَ فَبَسِّطْ لَهُمْ وَجْهَکَ وَأَمَّا الْمُخَافُونَ فَکَتِّمْلَهُمْ بِالْمَدَارَ- لاَ یُجَنَّبِیْهِمْ إِلَی الْإِیمَانِ فَإِنَّهُ بِأَنْسَرِ مِنْ ذَلْکَ یُکَفِّ شُرُوءَهُمْ عَنْ نَفْسِکَ وَ عَنْ إِخْوَانِکَ الْمُؤْمِنِینَ؛* برخورد با مؤمنان باید با گشاده‌رویی باشد و با مخالفان با مدارا سخن گفته شود تا با به مکتب و مسیر ایمان جذب شوند و یا دست‌کم شُرّ آنان از مؤمنان بازداشته‌ شود.»^(۷)

این رفتارها همچون زرهی از اقلیت شیعه محافظت می‌کرد و هم‌زمان پلی برای همبستگی کل امت می‌ساخت. این شبکه از رفتارهای اخلاقی، اقلیت شیعه را به عصری امن، غایت اعتماد و سازنده در جامعه تبدیل کرد و بهانه‌های واهی برای سرکوب یا طرد آنان را از دست تندروها خارج ساخت.

امام صادق (ع) با وحدت و همگرایی میان جریان‌های اسلامی موافق بودند، اما این وحدت را به معنای چشم‌پوشی از حقیقت یا ره نکردن مرزهای اعتقادی نمی‌دانستند. راهبرد ایشان بر جمع میان «تعامل اجتماعی» و «صیانت علمی از معارف اصیل» استوار بود.



کردن است. پس در کار او، همانند کسی عمل کن که می‌داند برای نیکبی کردن به او پاداش می‌گیرد و بر بدی کردن به او مجازات می‌شود.»^(۸)
منظور از راهنمایی به سوی خدا، آموزش اعتقادات صحیح توحیدی و معاد و نیز انسداد دادن فرزند به عبادت و اخلاق حسنه است تا در مسیر بندگی قرار گیرد.

۵. تبعیض بین فرزندان:

پیامبر خدا (صلی‌الله علیه و آله) فرموده است: *«اعْبُدُوا یَیْنَ أَوْلَادَکَ فِی الثَّحْلِ، کَمَا تَعْبُدُونَ أَنْ یُعْبَدُوا»*

«عقوق» مفهومی متقابل و دوطرفه است و تنها مختص به نافرمانی فرزندان از والدین نیست، بلکه والدین نیز با تضییع حقوق فرزندان خود می‌توانند مصداق عاق شوند و مشمول وعیدهای الهی شوند، به‌ویژه اگر فرزند صالح و نیکوکار باشد. این حقوق شامل موارد متعددی چون فراهم کردن زمینه ازدواج به هنگام بلوغ و تمکن مالی، انتخاب نام نیکو برای جلوگیری از سرشکستگی، پرهیز از بدرفتاری لفظی و جسمی، تربیت صحیح و راهنمایی به نافرمانی به نافرمانی و واگذار کار دشوار و خارج از طاقت، بخل نورزیدن در تأمین معاش متعارف و نیز بازداشتن از تزویج فرزند با فرد گنهگار و فاسق است.

«عقوب» مفهومی متقابل و دوطرفه است و تنها مختص به نافرمانی فرزندان از والدین نیست، بلکه والدین نیز با تضییع حقوق فرزندان خود می‌توانند مصداق عاق شوند و مشمول وعیدهای الهی شوند، به‌ویژه اگر فرزند صالح و نیکوکار باشد. این حقوق شامل موارد متعددی چون فراهم کردن زمینه ازدواج به هنگام بلوغ و تمکن مالی، انتخاب نام نیکو برای جلوگیری از سرشکستگی، پرهیز از بدرفتاری لفظی و جسمی، تربیت صحیح و راهنمایی به نافرمانی به نافرمانی و واگذار کار دشوار و خارج از طاقت، بخل نورزیدن در تأمین معاش متعارف و نیز بازداشتن از تزویج فرزند با فرد گنهگار و فاسق است.

شیوه‌های امام صادق (ع) برای انسجام و همگرایی جامعه

۲- تثبیت مرجعیت علمی فراگیر
جامعه اسلامی در قرن دوم هجری شاهد فعالیت طیفهای فکری گوناگون بود. در چنین فضای دوقطبی و پرتنش، امام صادق (ع) روش «حذف» یا «طرد» را پیش نگرفتند. ایشان در خانه و حلقه درس خود را به روی دانشمندان هر دو گروه عقل‌گرایان و نص‌گرایان باز گذاشتند. امام با تسلط بی‌نظیر علمی خود، با هر گروه با زبان علمی و منطقی استدول خودشان سخن می‌گفتند. این پاسخ‌گویی جامع، بدون تعصب و توأم با سعه‌صدر باعث شد که ایشان به‌عنوان یک مرجع علمی فراگیر در کل جهان اسلام شناخته شوند؛ به‌طوری‌که بزرگان جریانات مختلف به جایگاه علمی و بی‌طرفی ایشان

امام صادق (ع) از یک‌سو، شیعیان را به حضور در نماز جماعت مسلمانان، شرکت در مناسک عمومی، عیادت بیماران، حضور در تشییع جنازه‌ها، خوش‌رفتاری، امانت‌داری و پرهیز از توهمین و درگیری فرقه‌ای دعوت می‌کردند تا پیوندهای امت اسلامی حفظ شود. از سوی دیگر، در عرصه علمی با انحرافات فکری و اعتقادی با استدلال، مناظره و تربیت شاگردان متخصص مقابله می‌کردند.

اسام در این مرحله آن بود که این مواجهه و مرزبندی شفاف فکری را در چارچوب «هقد اندیشه» محصور نگه داشتند و اجازه ندادند این تضاده‌ا، به نفرت‌برانگی، خشونت فیزیکی و فروپاشی سبزه‌زار اجتماعی مسلمانان منتهی گردد.

۵- نفی قاطعانه تکفیر و پایه‌گذاری جذب حداکتری
یکی از کلیدی‌ترین تدابیر امام صادق (ع) برای حفظ یکپارچگی امت، مقابله با پدیده ویرانگر «تکفیر» بود؛ پدیده‌ای که در آن گروه‌ها به‌محض کوچک‌ترین

اعتراف کرده و برای حل پیچیده‌ترین مسائل خود به ایشان پناه می‌آوردند.^(۱) این سیره به مخاطب عام نشان می‌داد که می‌توان در عین داشتن عالی‌ترین درجات علمی و اعتقادی، با مخالفان فکری خود در صلح و هوشمندی از دین اصیل دفاع می‌کردند. در

امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ به شخصی که از محرومیت از نماز شب لایحه داشت، فرمودند: «گناهات تو را مایهٔ کرده‌ است.»^(۲) ضعف ایمان و اراده^(۳) و غفلت از معرفت خداوند^(۴) نیز از دیگر موانع روحی به شمار می‌آیند. نکته دوم: نسبت توفیق الهی با اختیار انسان رابطه توفیق و اختیار، نه از نوع رابطه جبر با تلاش توفیق با اختیار، که در نوع رابطه طوبی و مکمل است، به عبارت دیگر، توفیق الهی نه در عرض تلاش انسان، که در طول آن معنا می‌یابد و آن را به نتیجه می‌رساند. این معنا در آیه ۸۸ سوره هود به‌روشنی تبیین شده است: *«أَنیَا که حضرت عیسیب (ع) می‌فرماید: «... إِنْ أَرَادَ إِلَّا إِخْلَاحًا مَا اسْتَطَعْتَ وَمَا تَوْفِیقِیَ إِلَّا بِاللّهِ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَیْهِ أَنِیبُ، من جز اصلاح - تا آنجا که توانایی دارم - نمی‌خواهم، و توفیق من، جز به خدا نیست؛ بر او توکل کردم و به سوی او بازمی‌گردم.»*

این آیه دو اصل اساسی را در کنار هم قرار می‌دهد: (الف) **تلاش تا سرحد توان (ما استطعت):** انسان موظف است تمام توان خود را برای رسیدن به هدف (در اینجا اصلاح و در بحث مآ، بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اسباب طبیعی و اختیاری رسین به هدف را (مانند زود خوابیدن یا بیدار شدن برای نماز) به کار گیرد. (ب) **توفیق الهی (ما توفیقی إلا بالله):** موفقیت نهایی و نتیجه‌بخشی تلاش، تنها از سوی خداوند است، هیچ‌کس، حتی یک پیامبر، نمی‌تواند با تکلیف بر تلاش خود، نتیجه نهایی را تضمین کند؛ رسیدن به مآل گناه و آلودگی بزند و بر آن اصرار ورزد، یا اینکه اس